



و چنین گفت عسگر اولادی

شما همیشه همسر خودتان را با خود به مسافرت های خارجی می برید. دلیلش چیست؟
من همه جا همسرم را هم با خودم می برم. من سه سفر در پیش دارم به بوداپست، به مسکو و جایی دیگر که همه جا همسرم را هم می برم. نمی شود در این تهران نامن همسرم را تنها بگذارم. *

عسگر اولادی یکی از سازندگان و تحکیم کنندگان این حکومت فقر و مرگ، این حکومت اعدام و حکومت ضد زن در ایران است. ایشان از تهران "نامن" وحشت دارند، وحشت دارند که بروند و برنگردند. می خواهند خدمت کارش کنارش باشد. شاید نیاز داشته باشد یکی پاهایش را رو به قبله اسلامش دراز کند تا راحت تر جان بکند. *

علم الهدی امام جمعه مشهد

این زن و دختر جوانی که در آن کوچه همسایه شماست و هر روز و هر ساعت روسری اش عقب تر می رود و مویش پریشان تر و لباسش تنگتر می شود، از هر درنده ای و از هر گزنده ای برای ناموس و جوان تو آسیبش بیشتر است؛ چرا بی تفاوتی؟ این ها تو همین نیست، این ها بیان واقعیت است و این واقعیت ها وجود دارد. نشستن روی دوچرخه برای دختر و زن حرام نیست. یک دختر خانم در خانه خودش، در را ببندد و توی حیاط خانه اش ۱۰ ساعت هم دوچرخه سواری کند حرام نیست. اصلا در خیابان و کوچه شهر امام رضا(ع) چه کسی اجازه داده زن ها و دخترها سوار دوچرخه شوند؟*

بدون شرح



دیگر کافی نیست! نه روسری نه تو سری را می گوئیم. سال های اولیه انقلاب این یک خواست تدافعی در مقابل یورش حکومت اسلامی بود. امروز حکومت اسلامی در یک قدمی سقوط و سرنگونی، در وحشت مرگ بسر می برد. هذیان گویی امثال علم الهدای مرتجع و جانی نه از سر قدرت که حکایت بدبختی یک رژیم رو به ویرانی و رو به موت است. امروز همه ما زنان و مردان سرنگونی طلب و انقلابی باید یک صدا اعلام کنیم. نه به حجاب - نه به حکومت خدا و قرآن و مذهب. نه به حکومت اسلامی!



از سایت نشریه علیه تبعیض دیدن کنید. همه شماره های علیه تبعیض را می توانید در سایت مشاهده کنید. نشریه علیه تبعیض صدای زنانی است که قوانین اسلامی زندگی شان را تباہ کرده است. صدای زنانی که می خواهند با رژیم اسلامی مبارزه کنند.

آدرس سایت:

www.equal-rights-now.com/00AT/AT-index.htm

زخمهای عمیق مذهب

شیدا از ایران

زینب زن جوانی است که زندگی بسیار پر رنجی داشته است به طوری که از کودکی در کارگاههای مختلف کار میکرده و امروز که بچه دار نیز شده است همچنان کار میکند. او از سختیهایی که در طول زندگی بیست و سه ساله اش کشیده بود سخن میگفت اما همیشه طوری تعریف میکرد که انگار به نظر خودش چندان هم مهم نبوده و من همیشه فکر میکردم شاید سختی زیاد روحش را چنان بیتفاوت کرده است که گویی هیچ دردی او را آنگونه که باید نمی آزارد. اولین بار که از رنج عمیقی در خودش سخن گفت که برایش دردناک تر از هر سختی دیگر بوده است برایم بسیار تکان دهنده بود.

او اینگونه شروع کرد: میدانی من از یک ترس همیشگی که در وجودم هست بسیار عذاب میکشم. ترسی که من را رها نمیکند و آرامش یک خواب راحت را از من گرفته است. گفتم از چه میگوئی به نظر نمی آید از چیزی بترسی؟ گفت: چرا از کودکی از موضوعاتی مثل جن و روح و مردی با گورزهای آتشین ... خیلی میترسم و اصلا آرامش ندارم.

گفتم: این حرفها را یک عده مفتخور که دیگر دزدی هایشان برای همه عیان شده میگویند تا دکان کاسبی خودشان را گرم نگهدارند. زینب که فردی کاملا مذهبی است به این قسمت از حرفهای من چندان توجهی نمیکند و ادامه میدهد به هر حال این حرفها از کودکی در گوش ما گفته شده و من را رها نمیکند. - گفتم: خوب حالا تو فکر میکنی آیا خودت هم همین حرفها را

به گوش فرزندت میخوانی؟ گفت: نه هرگز! درسته که ما مسلمانیم و از کودکی در گوش بچه ها اذان میخوانیم ولی دلم میخواهد بچه ام خودش دینش را انتخاب کند. گفتم میدانی که بچه یک مسلمان حق انتخاب ندارد چرا که اگر کسی که از والدین مسلمان باشد و اسلام را انتخاب نکند مرتد محسوب میشود که حکم ارتداد را هم حتما میدانی مساوی با مرگ و یا مرگ تدریجی است.

گفت: نه دیگر من اینها را قبول ندارم من خودم از همین حرفها بیمار شدم با اینکه خودم را نمی توانم رها کنم دیگر حاضر نیستم همین بلا را به سر بچه ام بیاورم. گفتم قبول داری همین حرفها در واقع روانت را بیمار کرده و از کودکی تو را آزار داده است؟

گفت: آره کاملا.

با اینکه افکار مذهبی و خرافات براحتی دست از سر زینب بر نمی دارد اما او حاضر نیست به حکم مذهب هر بلایی را بر سر بچه اش بیاورد و این است که کار مذهب در این جامعه به پایان رسیده است، چرا که حتی مذهبی ترین افراد جامعه هم حاضر نیستند این اوام را بر سر نسل بعد خراب کنند و کودکان را مورد آزار و اذیت قرار دهند. در واقع هر درجه از اختیاری که انسانها برای خود قائل باشند در واقع دست مذهب را از زندگیشان کوتاه کرده اند. وقتی زینب بنا به تصمیم خودش دیگر حاضر نیست فرزندش را به اجبار مسلمان بار بیاورد حتی اگر قرآنش حکم کرده باشد، یعنی به همین اندازه با مذهب میجنگد حتی اگر خودش را فردی مذهبی بنامد. امروز در جامعه ایران کسی نیست که احکام عقب افتاده و وحشی مذهب را قبول داشته باشد و از همین رو این جامعه دیگر به مذهب اجازه حکومت نخواهد داد.*

هستند که آگاهانه در ازای دریافت حقوق و دستمزد به مانکن تبدیل شده و با آرایش و ظاهری نامتعارف درصدد بدنام کردن جامعه در رسانه ها هستند. گروه دوم را افراد متخلف و قانون شکن تشکیل می دهند که با آگاهی اقدام به بدپوششی می کنند و گروه سوم افراد بی خبر هستند که از روی تقلید نوع پوشش خود را انتخاب کرده و بدون اطلاع خلاف می کنند.*

حجاب و هذیانهای حکومت

ابهری مشاور کمیسیون مجلس اسلامی از رعایت نکردن حدود "شرعی" در پوشش و لباس در ۶۰ درصد زنان و مردان تهرانی خبر داد ابهری گفت: گروههای بدحجاب و بد پوشش در جامعه به سه گروه تقسیم می شوند که گروه نخست مهاجمانی

حق رای زنان در عربستان

مجلس شورای سعودی روز سه شنبه ۷ ژوئن ۲۰۱۱ پیشنهاد داد زنان در انتخابات آینده شورای شهر این کشور از حق رای دادن به کاندیداها بهره مند شوند.

مجلس شورای سعودی در این کشور تنها صلاحیت مشورتی دارد و اجرای پیشنهادهای آن به تصویب هیئت دولت بستگی دارد.

چندی پیش گروهی از زنان سعودی از مقامات این کشور خواستند تا شرکت آنها را در انتخابات آینده هموار سازند.

آنها تهدید کردند در صورت عدم موافقت مسئولان با درخواست آنها، شوراها و شهری مخصوص زنان تشکیل خواهند داد.

قرار است در ۲۳ ماه آوریل آینده دومین انتخابات شورای شهر سعودی برگزار شود.

اولین دوره این انتخابات که در سال ۲۰۰۵ برگزار شد زنان سعودی از حق رای دادن و نامزد شدن در آن محروم بودند.

زنان سعودی از سه ماه پیش برای برخورداری از حق زنان برای شرکت در انتخابات تشکیل شده که تا تصویب قانون شرکت زنان در انتخابات شورای شهر به فعالیت خود ادامه خواهد داد.*

اشتباه نکنید. بعد از همه جنگ و گریز با یکی دیگر از حکومت های خدا بر زمین قرار نیست زنان در عربستان حق داشته باشند انتخاب شوند و انتخاب کنند. قرار است از میان مرتجعین اسلامی بتوانند یکی را انتخاب کنند. اما زنان در عربستان کوتاه نمی آیند. انقلابات در منطقه به زنان عربستان هم امکان تعرض داده است.*

جای دانی جان ناپلئون خالی است. کار کار انگلیسی ها است. چه دسته بندی ای از زنان بد حجاب و بی حجاب و کم حجاب می دهد این آقای بهرامی. فقط خوب بود نشانی میدادند کجا پول پرداخت می کنند تا ما هم آشنایان را بفرستیم سهم خودشان را بگیرند.*

زنان در ایران مشت به آسمان می کوبند

گفتگوی سیما بهاری با مینا احدی در تلویزیون کانال جدید

بخش اول

سیما بهاری: همیشه گفته می شود که زنان نیمه جامعه هستند، ما در باره این نیمه در ایران صحبت می کنیم. موقعیت این نیمه جامعه را شما چگونه ارزیابی می کنید؟

مینا احدی: بنظر من در ایران با حاکمیت جمهوری اسلامی و قوانین و با سنت هائی که این حکومت از آنها دفاع می کند، زنان در حقیقت قربانیان اصلی این حکومت هستند. مثال می زنم. وقتی یک توریست به ایران می رود و مثلا سه روز در ایران بسر می برد و از دور با جامعه ارتباط دارد یکی از مهم ترین نمود ها از نگاه او حجاب اسلامی و جدا سازی جنسیتی است و خیلی سریع می تواند این تفاوت را ببیند. اما این همه ماجرا نیست. باید پای صحبت زنانی نشست که در آن جامعه زندگی می کنند. باید با زنانی همصحبت شد که بچه دارند و می خواهند طلاق بگیرند اما چنین حقی ندارند. باید پای صحبت زنانی نشست که تحصیلات عالی دارند. دانشگاه رفتند، استاد دانشگاه یا دکتر اند اما حق طلاق و حق تصمیم گیری در باره زندگی خودشان را ندارند. من فکر می کنم در ایران و کلاً در کشور هائی که قوانین اسلامی حاکم است، تمام قوانین انسانی را از این نیمه جامعه بشری گرفتند. من جزو کسانی هستم که می گویم زنان در کشور های اسلامزده در زندان متحرکی به نام حجاب اسیر اند و در مورد خودشان و احساسات و عواطف و رابطه شخصی و کار بیرون از خانه و در سیاست آنها را از تصمیم گیری محروم کرده اند. بنابر این ما با یک حکومت ضد زن و با یک آپارتاید کامل جنسی در ایران روبرو هستیم.

سیما بهاری: وقتی آدم به همه دنیا نگاه می کند، این بی حقوقی و نابرابری را کم یا زیاد در همه جا می توان مشاهده کرد و ویژه کشور های نظیر ایران و دیگر کشور های اسلامزده نیست. اما تفاوت بین این کشور ها با کشور هائی اروپائی را در چه می بینید؟

مینا احدی: این در کل درست است که ما با دنیائی روبرو هستیم که سیستم اقتصادی آن سرمایه داری است و سرمایه داری دارد از نابرابری بین زن و مرد استفاده یا در واقع سوء استفاده می کند. مثلا در اروپا هم، کار خانگی اساسا کار زنان است و دولت در

قبال کار خانگی نه دستمزدی می پردازد نه مسئولیتی بر عهده می گیرد. نگهداری از کودکان به درجه زیادی کار زنان است و زنان در مقابل کار برابر یا شغل مشابه حقوق کمتری دریافت می کند. در سیاست هم زنان کمتر از مردان نقش دارند. ما در کره زمین با نابرابری بین زن و مرد مواجه هستیم اما بعد این نابرابری و اینکه مردم تا چه اندازه علیه این نابرابری مبارزه کرده و نابرابری را پس راندند خیلی متفاوت است. شما اگر در آلمان زندگی کنید بعنوان یک زن سیستم و قانون از شما دفاع می کند. اگر می خواهید طلاق بگیرید امکانات هست و در این کشور و دیگر کشور های اروپائی قوانین اسلامی نیست و حجاب اسلامی هم درکار نیست و در رادیو و تلویزیون اجازه بی احترامی به زن را ندارند. استقلال اقتصادی و حق تصمیم گیری مستقل زنان در اروپا تضمین شده است.

جمهوری اسلامی تلاش بسیاری می کند تا نشان بدهد که در غرب به زن بعنوان کالا نگاه می کنند. اما این حکومت مثلا زن را بعنوان موجودی مقدس می بیند و به این دلیل او را در قفس می گذارد. تفاوت یک زن که در افغانستان یا ایران زندگی می کند با یک زن که در سوئد یا آلمان زندگی می کند از زمین تا آسمان است. زن به یمن مبارزه گسترده در اروپا حرمت و احترام دارد و در مورد زندگی شخصی اش خود تصمیم می گیرد. اما در ایران ما در رابطه با زندگی زنان با یک فاجعه انسانی روبرو هستیم. این هم البته سرمایه داری از نوع اسلامی اش است که تمام حقوق و آزادی زنان را از آنها سلب کرده است.

سیما بهاری: چرا جنبش اسلامی ضد زن است؟

مینا احدی: بعضی ها می گویند این



نابرابری بین زن و مرد به اسلام مربوط نیست. اما اسلام و همه مذاهب ضد زن هستند. همه مذاهب را بنظر می رسد یک مرد درست کرده است. وقتی خدا را توصیف می کنند او را در هیبت یک مرد حس می کنیم که دارد فرامین ضد زن صادر می کند. اما صرف نظر از مذهب بطور کلی، ما طی سه دهه گذشته با جنبش اسلامی روبرو هستیم. این جنبش متشکل است و از سازمان ها و گروه های متعددی تشکیل شده است. تلاش می کنند به قدرت برسند و هر جا به هر درجه ای که به قدرت میرسند برای ایجاد وحشت اولین حمله شان را علیه زنان سازمان می دهند.

سیما بهاری: چرا برای جنبش اسلامی حمله به زنان تا این درجه اهمیت دارد؟

مینا احدی: به این دلیل که در جوامعی مثل ایران و افغانستان و ... زنان تاریخا تحت ستم بوده اند و اسلام هم در این جوامع چرخیده و کم و بیش آلودگی اش را در این جوامع منتشر کرده است. به این دلیل جنبش اسلامی می داند اگر به زنان حمله کند در واقع دارد به نیمه ضعیف جامعه حمله می کند و ممکن است بقیه از زنان دفاع نکنند. تاریخی که من و شما در ایران تجربه کردیم اینطور بود. وقتی خمینی پایش به ایران رسید و برای اینکه مردمی که برای عدالت و آزادی قیام کرده بودند را به خانه بفرستد، اول فرمان حمله به زنان را صادر کرد. اتفاقی که در ایران افتاد این بود که زنان در ابعاد دهها هزار نفری علیه فرمان خمینی مبنی بر اجباری بودن حجاب به خیابان آمدند. اما بسیاری از مردم گفتند این زیاد مهم نیست و تماما علیه این ارتجاع مبارزه نکردند. رژیم اسلامی در ایران اول زن را زد، بعد کارگران و بعد کل جامعه را. این مکانیزمی است که در کشور های اسلام زده اتفاق افتاده



است.

سیما بهاری: جایگاه زن را در اسلام چگونه تعریف می کنید؟

مینا احدی: زن در مذاهب و همینطور در مذهب اسلام وسیله تمطع برای مردها است. وسیله ای برای خدمت کردن به مردها. هم خدمتکار و هم معشوقه. و طبعاً مردان اسلامی حق دارند وقتی حوصله شان از یک زن سر رفت با زنان متعدد رابطه داشته باشند. در این مذهب هم مثل بقیه مذاهب این مرد است که انسان محسوب می شود و خدا مردها را آفریده و تمطعات متعددی را برای آنها خلق کرده که یکی از وسایل تفریح و آسایش مردان هم زنان هستند. این همان زن است که در قوانین جمهوری اسلامی نفقه می گیرد و خدمت می کند و تمکین می کند. این یک موضوع کلیدی است. یعنی شما از یک مرد سرپناه و لباس و مقدار معینی غذا دریافت می کنید و در عوض خود را در اختیار آن مرد قرار می دهید. اسلام از زن می خواهد وقتی که سر پناه دارد تمکین کند. در همین دادگاه های رژیم هم می بینیم. زنی که برای طلاق می رود آخوند مربوطه از زن می پرسد چرا می خواهی طلاق بگیری، می گوید دوستش ندارم یا با هم تفاهم نداریم. جواب آن آخوند این است مادام که شوهر خرجت را می دهد باید به خانه برگری و حق طلاق نداری. این دارد می گوید که زن انسان نیست و در مقابل یک لقمه غذا باید همه اوامر مرد را بپذیرد.

سیما بهاری: کسانی هستند که خود را فمینیست اسلامی معرفی می کنند. تعریف شما از اینها چیست؟ نمونه شیرین عبادی یا کسانی که خود را با کمپین یک میلیون امضا معرفی می کنند؟

مینا احدی: البته اینها فقط پدیده مربوط به ایران نیستند و در همه کشور های اسلام زده می شود به درجاتی این به اصطلاح فمینیسم اسلامی را مشاهده کرد. اینها شاخه ای دیگر از همان جنبش اسلام سیاسی است و تمام تلاشش هم نجات اسلام است و زور می زند که در مقابل جنبش رادیکال و انقلابی و معترض زنان سنگری درست کند. فکر کنید ما در قرنی زندگی می کنیم که دختران جوان همه دنیا را می بینند و

برای همه حقوق خود بلند می شوند و عصیان می کنند. ما با جنبشی روبرو هستیم که می گوید اگر خدا این حرف های ضد زن را می زند ما خدا را قبول نداریم. این وسط کسانی هم مثل شیرین عبادی پا به میدان می گذارند و می گویند نه صبر کنید، اسلام آنقدر هم که فکر می کنید بد نیست. اسلام مقابرتی با حقوق زن ندارد. اگر بدی هست از بخشی از همین ها هست که قوانین اسلامی را بد اجرا می کنند. فرق ما و من با امثال شیرین عبادی این است که ما صدای آن زن و دختری هستیم که به رژیم می گوید قبولتان نداریم. صدائی که می گوید بشر هستم و یک بار به دنیا آمدم و می خواهم از زندگی خود لذت ببرم و به خودم احترام می گذارم و قوانین اسلامی شما را قبول ندارم. اما خانم عبادی وسط ایستاده و تا همین حالا هم می خواهد با اصلاح کردن جمهوری اسلامی آن را حفظ کند. ما می خواهیم این حکومت را سرنگون کنیم و آنها می خواهند نقش سوپات اطمینان را بازی کنند. جنبش ملی اسلامی و بقیه جنبش اسلامی با هم دو سر یک جنبش اند.

سیما بهاری: وقتی از برابری بین زن و مرد گفته می شود فوراً صدائی هم به گوش می رسد که بی بند و باری نباید باشد.

مینا احدی: این هم یک بخش مهمی از کار جنبش اسلامی است. که زن را نه بعنوان انسان که بعنوان ناموس مرد نگاه می کند. اما جنبش ما و فعالیت های خود من همیشه این بوده است که نشان بدهم بشر هستم و ناموس کسی هم نیستیم. ما این تابو را شکستیم و نشان دادیم که زن ناموس مرد نیست بلکه برابر با مرد است. تا جایی هم به رابطه جنسی بر می گردد همانطور که مردان آزاد اند و برایشان به رسمیت شناخته شده است زنان هم باید آزاد باشد و حق انتخاب داشته باشند. کسی هم نباید اجازه داشته باشد مهر بی بند و باری به این روابط بزند.

در این بخش موقعیت زنان را از نگاه دو جنبش مورد بررسی مختصر قرار دادیم. در بخش بعدی که در شماره آینده خواهید خواند موضوع گفتگو روی مبارزات زنان است.

ادامه دارد

مامان بزرگ و گشت ارشاد

مامانم تلفن زده که: زود بیا خونه این مانتو رو بگیر ببر برای مامان بزرگت... می پ... رسم کجا؟ می گه: گشت ارشاد گرفتنتش!!!



از فیس بوک

بد حجابی و تذکر زبانی

فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران گفت: برای پاسخگویی به مطالبات مردم، طرح تشدید مقابله با ناهنجاری ها از ۲۵ خرداد ماه سال جاری در سراسر کشور آغاز خواهد شد.

سردار اسماعیل احمدی مقدم: برای مقابله با ناهنجاری های اجتماعی و بدحجابی در مرحله اول تذکر زبانی مد نظر ماموران انتظامی قرار دارد که در صورت بی توجهی، قطعاً اقدامات دیگر انجام خواهد شد.

وی افزود: نحوه برخوردها متناسب با موقعیت خواهد بود و در هر استان و منطقه ای که این تخلفات کمتر مشاهده شده است، ماموران انتظامی ملایمت بیشتری خواهند داشت و در صورتی که این تخلفات بیشتر باشد نقش و برخورد ماموران انتظامی نیز پر رنگتر خواهد شد.

احمدی مقدم به برخورد با بدحجابی در جامعه اشاره کرد و افزود: برخورد با بدحجابی از مطالبات به حق مردم است و در صورتی که نتیجه مطلوب در برخورد با بد حجابی حاصل نشود، میزان برخورد در این مقوله شدت خواهد گرفت.*

از احمدی مقدم تا علم الهدای تا ابهری در باره بی حجابی و بد حجابی علیه زنان خط و نشان کشیده اند. شما چه فکر می کنید. با این تهدیدات زنان جا می زنند و به خانه بر می گردند؟